



عید قربان؛ مشترک ادیان توحیدی است/ آزمون سرسپردگی به حضرت حق

داستان به قربانگاه بردن فرزند توسط ابراهیم خلیل(ع)، تجلی آزمون، سرسپردگی پاکان به حق و آمیختگی قهر و لطف حضرت حق است. داستانی که مشترک میان همه ادیان توحیدی است.

داستان به قربانگاه بردن فرزند توسط ابراهیم خلیل(ع)، تجلی آزمون، سرسپردگی پاکان به حق و آمیختگی قهر و لطف حضرت حق است. داستانی که مشترک میان همه ادیان توحیدی است.

به گزارش **خبرنگار مهر**، ضمن عرض تبریک فرارسیدن عید سعید قربان به این مناسبت با دو تن از اساتید حوزه عرفان به گفتگو نشسته ایم که در پی می آید؛

عید قربان، تجلی آزمون، سرسپردگی پاکان به حق و آمیختگی قهر و لطف حضرت حق

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید سلمان صفوی استاد فلسفه و عرفان اسلامی در گفتگو با **خبرنگار مهر** با بیان اینکه عید قربان ریشه در دوران ماقبل تاریخ بشر دارد، گفت: این رسم نزد همه ملل و ادیان به اسامی مختلف موجود بوده است و این سنت طولانی بشری در اسلام نیز پذیرفته شده است. فرمان قربانی کردن حضرت اسماعیل(ع) به حضرت ابراهیم(ع) به صورت تمثیل آزمون سخت از قربان و خوبان درگاه الهی در ادبیات اسلامی تجلی کرده است. این داستان تجلی آزمون، سرسپردگی پاکان به حق، آمیختگی قهر و لطف حضرت حق است.

وی افزود: یکی از محورهای قاعده وحدت استعلایی ادیان، عید قرار دادن روز قربانی اسماعیل است. از این طریق بر وحدت ادیان توحیدی تاکید شده است. ابراهیم که جد اعلای سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام است نه تنها ابعاد نظری تفکر توحیدی اش در قرآن تمجید و امضا شده است که حتی عمل قربانی او به عنوان اصلی مهم در جنبه شریعت اسلامی امضا شده است و تداوم یافته است.

رئیس فعلی آکادمی مطالعات ایرانی لندن در ادامه سخنانش اظهار داشت: در نگاه متصوفه کل داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل(ع) توسط حضرت ابراهیم(ع) و رای جنبه ظاهری آن امری سمبلیک است و این جنبه نمادین آن حاوی و حامل پیام اصلی داستان و رمز ماندگاری و اهمیت والای آن در اسلام شده است. عرفا و متصوفه بر خلاف علمای ظاهری و اهل فقه اصغر به جنبه باطنی و فقه اکبر آن توجه می کنند.

وی با بیان اینکه متصوفه که اهل فقه النفس هستند به جنبه های متعالی و انسان ساز داستان تکیه می کنند، گفت: در حالی که اهل فقه الجوارح فقط به ظواهر داستان تکیه می کنند و عمل قربانی گوسفند را سنت قرار داده اند. در حالی که اهل الله که عرفا هستند از داستان قربانی اسماعیل احکام متعدد معنوی برای سیر و سلوک به سوی حضرت محبوب را استنتاج کرده اند.

مدیر مرکز بین المللی مطالعات صلح تصریح کرد: در قرآن سوره ای به نام ابراهیم(ع) است اما داستان ابراهیم و اسماعیل در سوره صافات آیات ۱۰۰ تا ۱۱۰ نازل شده است البته در قرآن کریم نام اسماعیل ۱۲ بار آمده است و به رسالت الهی او تصریح شده است. (بقره، ۱۳۶؛ آل عمران، ۸۴؛ مریم، ۵۴). اما داستان قربانی شدن اسماعیل در آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ سوره صافات نازل شده است.

قربانی کردن وسیله تقرب به خداوند

دکتر عبدالرضا مظاهری، استاد ادیان و عرفان نیز در گفتگو با **خبرنگار مهر** گفت: در ادیان ابتدایی و ادیان دیگر، قربانی کردن انسان در برابر خدایان امر رایجی بوده است و حالا ابراهیم(ع) می خواهد به آن جهت دهد، خداوند می خواهد از طریق ابراهیم(ع) قربانی کردن را اصلاح کند، نتیجتاً می آید قربانی کردن گوسفندی را در مقابل حضرت حق قرار می دهد تا آن قربانی کردن فرزندان را منسوخ کند، چرا که ابراهیم(ع) کارش اصلاح است و اصلاً همه ادیان توحیدی کارشان اصلاح است.

وی افزود: به عنوان مثال حضرت ابراهیم(ع) وقتی می خواهد نشان دهد نباید ماه، ستاره و خورشید را بپرستید، می آید خودش را به صورت ماه پرست، ستاره پرست و خورشید پرست نشان می دهد سپس، می آید نقطه ضعف آنها را آسیب شناسی می کند و می گوید «انی لایحب الافلین»، خدایی که بخواهد افول کند را نمی پرستم.

مظاهری تصریح کرد: این قربانی کردن اسماعیل هم به نوعی شبیه همان اصلاح پرستش خدایان ماه و آسمان و خورشید است. نکته مهم دیگری که در این قربانی کردن وجود دارد این است که فرزند، بالاترین مظهر ظهور نفس انسان است. ابراهیم(ع) که به عنوان خلیل الله انتخاب شده است یعنی کسی که آن عشق الهی در او حلول کرده است و کسی که به این مرحله رسیده است، باید جز خداوند هیچ چیز دیگر را نبیند چرا که اگر جز خداوند چیز دیگری را ببیند می شود شرک. معنای شرک خفی یعنی همین. یعنی شما خداوند و غیر معشوق کس دیگری را در نظر بگیرید.

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی افزود: بالاترین شرکی که مخفی است و انسان را از خداوند منحرف می کند، نفس انسان است و بالاترین ظهور نفس انسان هم در فرزند است. فلذا ممکن است انسان درباره فرزند، یعنی بالاترین ظهور نفس بلغزد. ابراهیم برای اینکه خلیل خداست، می خواهد آن توحید ناب را داشته باشد و هرگونه شرک خفی را از بین ببرد. خداوند می آید قربانی کردن فرزند را مطرح می کند که در واقع قربانی کردن خود ابراهیم است. حاجی که در مکه می رود یا هر کسی دیگری که قربانی می کند در اصل دارد خودش را قربانی می کند، یعنی اینکه باید روی همه چیز پا بگذارد.

وی با بیان اینکه در احادیث داریم «الصلاه قربان مومن»، نماز وسیله تقرب و همان قربانی یک مومن است، گفت: یعنی شما وقتی وارد نماز می‌شوید نمازتان باید همان گونه ای باشد که ابراهیم خودش را قربانی کرد. قربانی کردن است که باعث نزدیک شدن به خداوند می‌شود و باید هر آنچه غیر خدا را قربانی کرد و کنار گذارد.

مظاهری ادامه داد: وقتی شاعری، می‌گوید این شعر مجازی است در مجاز آن طرفش حقیقتی وجود ندارد. یک تخیلی است که شاعر می‌آید آن تخیل را مطرح می‌کند اما در مثال و ممثول یک حقیقتی است که شما آن حقیقت را نمی‌توانید در قالب الفاظ بیاورید. بنابراین می‌آیید از مثل استفاده می‌کنید برای اینکه آن حقیقت آنقدر ناب است تحمل حمل آن به معنای معنوی را ندارند. بنابراین شما می‌آیید مثل می‌زنید. بنابراین مثال ابراهیم و قربانی کردن برای همین است. مثالی برای رسیدن به این حقیقت بزرگ که برای درک عرفان ناب و توحید ناب، باید ابراهیم گونه آماده رفتن به قربانگاه باشی.

این پژوهشگر عرفان در مورد اشتراک عید قربان در میان همه فرق اسلامی و ظرفیت های آن برای ایجاد وحدت، گفت: اصلاً قربانی کردن فقط برای اسلام نیست، در همه ادیان توحیدی وجود دارد. ابراهیم پدر ادیان توحیدی است، چه در مسیحیت چه در یهود چه در اسلام و این مسأله در تمام فرق اسلامی نیز نقطه مشترک است. وحدت این است که باید نقاط مشترکمان را گسترش دهیم.

وی افزود: ابن عربی می‌گوید یک استادی داشتم که پای درس این استاد می‌نشستم و خیلی دوستش داشتم. بعد رفتم پای درس استاد دیگری که او علیه استادام سخن گفت. وقتی این کار را کرد، من خیلی ناراحت شدم و دیگر پای درسش نرفتم. یک شب خواب رسول الله را دیدم که گفت چرا پای درس فلان استاد نمی‌روی، گفتم برای اینکه علیه استادی که دوستش دارم حرف می‌زند. رسول خدا گفت: آیا او خدا را قبول دارد، گفتم بله. گفت ما را که رسولیم قبول دارد، گفتم بله قبول دارد. گفت قرآن ما را که خداوند فرستاده است قبول دارد؟ گفتم قبول دارد. ایشان گفت همه اینهایی که مسلم است را قبول دارد، یک استاد تو را قبول ندارد، حالا آیا تو باید همه اینها را رها کنی و فقط این یکی را بگیری. می‌گوید از فردا سر درس آن استاد نشستم. ما نیز باید این نقاط مشترک را بگیریم.